

Taking advantage of Scientometrics' graduates in universities, a necessity to release from quasi-research

Abdolreza Noroozi Chakoli

Editor-in-Chief of Scientometrics Research Journal: Scientific Bi-Quarterly of Shahed University, And Associate Professor, Department of Information Science and Knowledge Studies, Shahed University.

Email: Noroozi@shahed.ac.ir

What is quasi-research? Are they basically called quasi-research? How do they function as missing phases of research? And in reality, is there a relationship between the amount of quasi-research in one country and its underdevelopment?

The above mentioned questions were just some parts of the issues I shared in 2014 and 2015 Research Week notes in Iran online News Agency. I used the term "quasi-research" for the first time to point to those poorly written articles composed by some writers over a limited period of time under high educational pressure. Hence, I emphasized that the quasi-research which just appears to be research work shouldn't be counted on, because due to lack of essential qualitative characteristics and features, they are not able to influence the science and knowledge cycle. Plus, they lack the ability to take steps toward tackling societal difficulties and developing science and technology. In those two notes, it was aimed to share the view that many of the research that is referred to as "research"; they are not research in fact. Instead they are "pseudo research" studies, because they have neither high penetration nor good quality. It has been also mentioned that "quasi-research" or "poor-research" could never be the basis for a country's scientific development. I also emphasized that there is a relationship between the number of "quasi-research" or "poor research" and the extent of country's development. In fact, the authors of this research mostly found among faculty, students, or candidates for entry into graduate studies, are seeking for a way to publish their works in a limited period of time. Besides, they are under the extreme pressure of job and educational requirements and the codes and guidelines of the higher education system that pushes them to accept the risk of publishing articles in poor quality journals. Some of these authors become aware of their invalid articles after publishing them and others never become aware of this fact.

Undoubtedly, it has always been possible for any active and avid-minded in higher education and scientific development to identify and introduce

Taking advantage of Scientometrics' graduates in universities...

a set of factors that are served as the basis for producing, promoting and disseminating pseudo-research. But what seems most essential is to mention a number of points that should be taken into account in macro-planning and policy-making. These factors free the country's scientific and academic system from quasi-research and its harms. By doing so, the number of high quality and influential research will be increased as well.

In fact, what is most momentous now is to find out what really causes some authors to publish and disseminate these poor or quasi-research findings and how scientific and educational system can be released from these kinds of damages and also how scientific development of the country can be promoted without the intervention of quasi-research. Shouldn't the rules governing the publication of an article be mandatory within a specified period of time, as well as the requirements for the management, control and validation of such articles? Shouldn't the scientists who are expert in measuring and evaluating the quality of scientific products be more used to control this growing quasi-research process and try to improve it? The fact is, there isn't any tendency toward paper publication with any cost and quality even in the codes and guidelines of the country's higher educational system. And surprisingly, due to the time constraint in publishing the article, these guidelines aggravate the process of quasi-research. So, what is the problem? In addition, why is not quasi-research probably managed and controlled in some universities? In such universities, the articles are easily passing the universities 'accreditation filter and ultimately get accepted. And in contrast, this validation and controlling process is being done very well in some other universities. What is the rationale behind the issue?

The answer is crystal clear. Identifying and separating quasi-studies from genuine and high-quality research requires the absolute knowledge and expertise in the field. That which research has which levels of quality and how to distinguish pure research and quasi-research requires expertise that is available to scientometrics graduates. Fortunately the graduates who have been educated and trained in this field have such an opportunity in Iran. No one can deny this fact that these graduates are national treasure of higher education and they would rather be exploited optimally. Therefore, the important question is whether the higher education system, which introduces the publication of faculty members' job requirements or the student and candidate requirements for entry into postgraduate courses, has yet found a way to manage and control for the potential harm of these requirements. How successful has it really been in this field so far? Has the country's higher education system ever scrutinized the answer to this important question that why the number of quasi-research in the universities that powerfully use scientific experts to manage and validate research is less than the number of pseudo-research in universities that do not benefit from these specialists and graduates? It takes for granted that, the serious determination to deal with the damages of quasi-research calls for the higher education system to ponder and answer such questions.

بهره‌مندی از دانش آموختگان علم‌سنجی در دانشگاه‌ها، یک ضرورت برای رهایی از شبه‌پژوهش‌ها

عبدالرضا نوروزی چاکلی

سردبیر پژوهش‌نامه علم‌سنجی، دوفصلنامه علمی- پژوهشی دانشگاه شاهد و دانشیار گروه علم‌اطلاعات و دانش‌شناسی دانشگاه شاهد.

Email: Noroozi@shahed.ac.ir

صفحه ۳-۱

شبه‌پژوهش‌ها چه نوع پژوهش‌هایی هستند؟ آیا اساساً می‌توان آنها را پژوهش نامید؟ شبه‌پژوهش‌ها چگونه به‌عنوان حلقه مفقوده پژوهش عمل می‌کنند؟ و به‌واقع، آیا میان حجم شبه‌پژوهش‌ها در یک کشور و میزان توسعه‌نیافتگی آن رابطه‌ای وجود دارد؟

اینها بخش‌هایی از مسائل و پرسش‌هایی بودند که در یادداشت‌های هفته پژوهش سال‌های ۱۳۹۳ و ۱۳۹۴ خود در خبرگزاری ایران آنلاین به اشتراک گذاشته و برای نخستین بار اصطلاح شبه‌پژوهش‌ها را برای مقاله‌های ضعیفی که برخی از نویسندگان بر اساس فشارهای آموزش عالی، در مدت زمانی محدود و با کیفیتی بسیار پایین در نشریات منتشر می‌کنند بکار گرفته و تأکید کرده بودم که شبه‌پژوهش‌ها که در ظاهر نام پژوهش به خود می‌گیرند را نباید پژوهش نامید؛ چرا که دلیل دارا نبودن شرایط و ویژگی‌های کیفیتی لازم، فاقد هرگونه توان تأثیرگذاری بر چرخه علم و دانش بوده و قادر نیستند در راستای رفع مشکلات جامعه و توسعه علم و فناوری گامی هر چند کوچک بردارند. در آن دو یادداشت سعی بر آن بود این دیدگاه به اشتراک گذاشته شود که بسیاری از پژوهش‌هایی که نام پژوهش به آن‌ها اطلاق می‌شود، در واقع پژوهش نیستند و «شبه‌پژوهش» محسوب می‌شوند؛ چرا که نه از نفوذ بالا در آنها خبری هست و نه از کیفیتی مطلوب. در آنجا سعی شد این نکته تبیین شود که هیچ‌گاه «شبه‌پژوهش‌ها» یا به عبارتی «پژوهش‌های ضعیف» نمی‌توانند زمینه‌ساز توسعه علمی کشور باشند و بر این نکته تأکید شد که میان تعداد «شبه‌پژوهش‌ها» یا «پژوهش‌های ضعیف» و میزان توسعه‌یافتگی کشورها رابطه وجود دارد. واقعیت این است که نویسندگان این نوع مقاله‌ها- که عمدتاً در میان اعضای هیئت علمی، دانشجویان یا داوطلبان ورود به مقاطع تحصیلات تکمیلی یافت می‌شوند- عمدتاً بر مبنای نیازهای زودگذر و ضرورت‌های شغلی یا تحصیلی که آئین‌نامه‌ها و دستورالعمل‌های موجود در نظام آموزش عالی به آن دامن می‌زند، در مدت زمانی محدود نیازمند انتشار سریع مقاله‌ها و آثار خود هستند و تحت تأثیر همین فشارها، حتی ریسک انتشار مقاله در نشریات بی‌کیفیت را نیز می‌پذیرند. برخی از این افراد، پس از انتشار مقاله‌هایشان از بی‌اعتبار بودن مجلاتشان آگاه شده و متضرر می‌شوند و برخی دیگر نیز هیچ‌گاه از این واقعیت مطلع نمی‌شوند.

بهره‌مندی از دانش‌آموختگان علم‌سنجی در دانشگاه‌ها، یک ضرورت برای رهایی از شبه‌پژوهش‌ها

بی‌تردید همواره شناسایی و معرفی مجموعه عواملی که به عنوان زمینه‌ساز تولید، ترویج و انتشار شبه‌پژوهش‌ها در کشور عمل می‌کنند برای هر ذهن مشتاقی که در حوزه آموزش عالی و توسعه علمی قلم می‌زند و فعالیت می‌کند به روشنی میسر است. اما آنچه بیش از همه ضروری به نظر می‌رسد، ذکر مجموعه نکته‌هایی در این راستاست که باید در برنامه‌ریزی‌ها و سیاست‌گذاری‌های کلان پژوهشی در کشور، به صورتی ویژه مورد توجه قرار گیرد و به تدریج نظام علمی و دانشگاهی کشور را از شبه‌پژوهش‌ها و آسیب‌های آن رهایی بخشد و موجبات افزایش سهم پژوهش‌های باکیفیت و بانفوذ را فراهم آورد.

در واقع، آنچه هم‌اکنون بیش از هر چیز اهمیت دارد، این نکته است که به‌راستی در کشور ما چه عواملی زمینه‌ساز انجام و انتشار این پژوهش‌های ضعیف یا همان شبه‌پژوهش‌ها هستند و نظام علمی و آموزشی چگونه می‌تواند از این نوع آسیب‌ها رهایی یابد و چرخ توسعه علمی کشور را بدون اصطحکاک با شبه‌پژوهش‌ها، به صورتی روان‌تر به حرکت درآورد؟ آیا نمی‌بایست در کنار آئین‌نامه‌هایی که انتشار مقاله در مدت زمانی مشخص را الزامی معرفی می‌کنند، الزاماتی نیز برای مدیریت، کنترل و اعتبارسنجی همین مقالات در نظر گرفته می‌شد؟ آیا نباید به منظور مدیریت و کنترل این روند فزاینده شبه‌پژوهش‌ها، متخصصان علم‌سنجی را که در زمینه سنجش و ارزیابی کیفیت تولیدات علمی متخصص هستند در سطح وسیع‌تری بکار گرفت و با نقش‌آفرینی آنها این روند را مدیریت و کنترل کرده و بهبود بخشید؟ واقعیت این است که منطقی‌ترین راه‌ها و دستورالعمل‌های نظام آموزش عالی کشور که بدلیل ایجاد محدودیت زمانی در انتشار مقاله، عملاً به روند افزایش شبه‌پژوهش‌ها دامن می‌زنند نیز چنین رد پای که خواهان انتشار مقاله به هر قیمتی و با هر کیفیتی باشند دیده نمی‌شود. پس مشکل کجاست؟ علاوه بر این، چرا شبه‌پژوهش‌ها در برخی از دانشگاه‌ها به درستی مدیریت و کنترل نمی‌شوند و این نوع مقاله‌ها به راحتی از فیلتر اعتبارسنجی دانشگاه عبور کرده و توسط دانشگاه مورد پذیرش قرار می‌گیرند و برعکس در برخی دیگر از دانشگاه‌ها، این اعتبارسنجی و کنترل به خوبی و با دقت بسیار بالایی صورت می‌پذیرد؟

پاسخ روشن است. شناسایی و تفکیک شبه‌پژوهش‌ها از پژوهش‌های واقعی و باکیفیت، نیازمند دارا بودن دانش و تخصص لازم در این زمینه است. این که کدام پژوهش‌ها در چه سطحی از کیفیت قرار دارند و چگونه می‌توان پژوهش‌های واقعی و ناب را از شبه‌پژوهش‌ها تفکیک کرد، نیازمند در اختیار داشتن دانشی است که نزد دانش‌آموختگان علم‌سنجی قرار دارد. دانش‌آموختگانی که در این زمینه تحصیل کرده و دوره دیده‌اند و خوشبختانه چنین امکانی در ایران نیز فراهم شده است. هیچ‌گاه نمی‌توان این واقعیت را انکار کرد که این دانش‌آموختگان سرمایه‌های ملی آموزش عالی هستند و باید به نحو مطلوب از آنها بهره جست. بنابراین، سؤال مهم این است که آیا نظام آموزش عالی که انتشار مقاله را از الزامات شغلی اعضای هیئت علمی یا الزامات تحصیلی دانشجویان و داوطلبان ورود به دوره‌های تحصیلات تکمیلی معرفی می‌کند، تاکنون برای مدیریت و کنترل آسیب‌های احتمالی این الزامات نیز چاره‌ای اندیشیده و توانسته است دانشگاه‌ها را ملزم به بهره‌مندی از ظرفیت‌های متخصصان و دانش‌آموختگان علم‌سنجی کند؟ به راستی تاکنون در این زمینه به چه میزان موفق

عمل کرده است؟ آیا نظام آموزش عالی کشور تاکنون به موشکافی پاسخ این پرسش مهم پرداخته است که چرا میزان شبه‌پژوهش‌ها در آن دسته از دانشگاه‌ها که با قدرت از متخصصان علم‌سنجی برای مدیریت و اعتبارسنجی پژوهش‌ها استفاده می‌کنند نسبت به دانشگاه‌هایی که در این عرصه از این متخصصان و دانش‌آموختگان بهره نمی‌برند، کمتر بوده است؟ بی‌تردید، عزم جدی برای مقابله با آسیب‌های شبه‌پژوهش‌ها، اقتضا می‌کند که نظام آموزش عالی کشور به پرسش‌هایی از این دست بیاندیشد و به آنها پاسخ دهد.